

فضول باشی و کفاشیان همیشه خندان

فضول باشی به مرد خنده‌روی تحمیلی فوتبال علاقه وافری دارد. همان آقای که از دوومیدانی در فوتبال این مملکت سبز شد و با بهره گرفتن از هوش سرشارش، سال‌ها بر اریکه قدرت در فوتبال تکیه زد و تا می‌توانست در تقویت باند تحت فرمانش تلاش کرد و زمینه حفظ بافت مجمع و راحتی خیال از بابت آرای بالای مجمع را فراهم نمود.

همان مردی که کفاشیان اش می‌نامند و فوتبال استان اردبیل هیچ‌وقت محبت‌های بی‌پایان و اقدامات سازنده‌اش در ارتباط با ضربه زدن به آن را فراموش نمی‌کند. همان مسئول خدمت‌گذاری که حتی در زمان نایب رئیسی‌اش در فدراسیون، مجمع انتخاباتی استان اردبیل را از دست نمود و به هر وسیله‌ای ممکن خود را به اردبیل مرساند تا به خواسته‌های خود و دوستانش جامه عمل بپوشاند و از به هم خوردن ساختار مجمع برای روز مبادا جلوگیری نماید و بر حفظ منافع دوستان و آشنایان و همشهریان‌ش تاکید نماید.

همان مرد همیشه خندان که حال‌وروز فعلی استان دست‌پخت دوستان گوش به فرمانش بوده‌است.

فضول باشی از طریق تلفن به من گفت: شنیدی که کفاشیان بدجوری دلش به حال فوتبال ایران سوخته و فرموده‌است که برای فوتبال ما خوب نیست که با سرپرستی اداره بشود؟

گفتم: خوب دیگر چه فرمودند؟ آیا نگفتند که وضعیت امروز حاصل مدیریت چندین ساله او و دوستان و یارانش بر فوتبال این مملکت است؟ آیا نفرمودند که دوست دارند بازمه بیایند و منت بر سر فوتبال‌ها بگذارند و بهره بردن از قدرت تصمیم‌گیری و عنایت به رفقا را نصیب فوتبال مملکت نمایند و با قدرت در اختیار هیات‌های استانی باشند؟

نگفتند که می‌خواهند در آستانه جام‌جهانی به فوتبال برگردند و همراهان و رفقا را برای تماشای بازی‌ها به ذکر بفرستند و در خدمت صاحبان رأی مجمع باشند؟

گفت: برادر این‌همه هزینه داده‌شده تا اثرات مدیریت کفاشیان ها،

تاج‌ها، بهاروند ها و طالقانی‌ها از فوتبال زدوده شود. فوتبالی‌ها چقدر باید از یک سوراخ گزیده شود؟ آیا برای این فوتبال باز هم باید تاج‌ها و کفاشیان‌ها بیایند و طالقانی‌ها و بهاروند‌ها را حاکم بکنند و آن‌ها بر اساس خواسته‌هایشان به استان‌ها عناوین مختلف از جمله قرار گرفتن در میان استان‌های برتر هدیه بدهند؟ بیایند در استان‌ها بگردند و سیاحت بکنند و به ریش هواداران فوتبالی‌ها بخندند؟

نه، دوران آن‌گونه رفتارها به پایان رسیده و پرونده افرادی چون کفاشیان‌ها و تاج‌ها در فوتبال مملکت بسته شده‌است و حالا نوبت هواداران دو آتشه و سینه چاکان دلسوخته آن‌ها فرا رسیده که در نقاط مختلف کشور کارنامه در زیر بغل، روانه منازلشان بشوند تا برای مدتی فوتبال این مملکت را از همه محبت‌ها، عنایت‌ها، خدمت‌ها بزرگی‌شان بی‌نصیب فرمایند.

**گفتم: راست گفتم، فوتبال کشور به یک خانه‌تکانی نیاز دارد. خانج
تکانی که بتواند فوتبال این مملکت را از کنگر خورده‌های لنگر
انداخته نجات بدهد. ان شاله.**